

# کتابشناسی توصیفی گزیده نبتوس بورکهارت

مهندس غلامرضا دهقان منشادی  
عضو هیئت علمی دانشگاه یزد

صفحه  
شماره ۴

- از نظر بورکهارت، نبوغ فردی هنرمند در آفرینش هنرهای سنتی تا چه حد مهم بوده است؟
- آیا بورکهارت میان هنر سنتی، هنردینی، و هنرقدسی فرق می‌گذارد. مطابق تعریف او، ایرن هنرها با هم چه نسبتی دارند؟

### چکیده

تیتوس بورکهارت از برجسته‌ترین سنت‌گرایان معاصر است. بیشتر اهمیت او از نظر اهل هنر و معماری از آن روست که او بیش از دیگر سنت‌گرایان به هنر پرداخته است. هنرمند اندیشمند و دردمند امروزی در ایران نمی‌تواند به او بی‌اعتنا باشد. حتی کسانی که با آرای او مخالفند، گزیری از شناخت دقیق او ندارند؛ زیرا بدون شناخت اندیشه‌های کسی، نمی‌توان آن‌ها را رد کرد. برای شناخت اندیشه‌های بورکهارت، نخست باید دستگاه فکری او را ترسیم کرد. لازمه این کار، بررسی آثار اوست، حتی آثاری که پیوند آن‌ها با هنر، تلویحی و غیرمستقیم است. در این مقاله، پس از ذکر زندگی‌نامه کوتاه بورکهارت، هفت عنوان از مهم‌ترین کتاب‌های او را، که نماینده دستگاه فکری اوست، معرفی می‌کنیم.

۱. هنر قدسی در شرق و غرب: اصول و روش‌ها  
Sacred Art in East and West: Its Principles and  
Methods", Bedfont, Middlesex, England,  
Perennial Books, 1967.

مشخصات ترجمه فارسی: بورکهارت، تیتوس، "هنر  
مقدس (اصول و روش‌ها)", ترجمه جلال ستاری، تهران  
سروش، ۱۳۶۹.

این کتاب اثر اصلی بورکهارت در حوزه هنر است، که  
فصولی در مابعدالطبیعه و زیباشناسی ادیان هندو، بودا، تائو  
مسیحیت و اسلام دارد، و با نگاهی مفید و کارآمد به وضوح  
امروزی در فصلی به نام «انحطاط و تجدید هنر مسیحی»  
خاتمه می‌یابد. بورکهارت در این کتاب می‌گوید هر هنر  
مقدسی عمیقاً در دینی ریشه دارد که از آن برخاسته است  
اما این بدان معنا نیست که هر «هنر دینی» ای واقعاً هنر قدسی  
باشد (هنر قدسی بیشتر با سبک و شیوه‌هایش قابل تشخیص  
است تا با نمونه‌هایش). سبک و شیوه بیش از هر چیز محمول  
سنت است و سنت در «وحی» ریشه دارد که همه تمدن‌های  
بزرگ را زاده است.

امروزه غالباً شکل و شیوه‌های سنتی را خصم آزادی  
مانع پیشرفت می‌شمارند. بورکهارت، برعکس، معتقد است  
که کار اینها گشودن در به روی آزادی حقیقی است - آزادی  
روح از قیود مادی. بدون این شکل و شیوه‌ها، روح بد  
تأثیراتی وانهاده می‌شود که هرچند ممکن است بر آن‌ها  
تسلط یابد، منشاء آن‌ها شیطانی است. بورکهارت در فصل  
آخر کتاب اظهار امیدواری می‌کند که هنر قدسی در صورت  
مسیحی‌اش، و هم‌چنین شرایط لازمه آن، احیا شود.

وی در فصول آغازین کتاب می‌گوید از جزمی‌ترین  
پیش‌داوری‌ها و کیج‌فهمی‌های نمونه عصر جدید ضدیت بد  
قواعد غیرشخصی در هنر است؛ گویی بیم دارند قواعد نبوغ  
هنری را ضایع سازد. درحالی‌که هیچ اثر سنتی، و بنابراین  
مقید به اصولی ثابت، نیست که صورت (form) ظاهرش  
حاکمی از نوعی شعف خلاقانه روان نباشد. گاه می‌گویند  
عامل روح مشترک هنرهای قدسی احساس مشترک دینی

## مقدمه

تیتوس بورکهارت، سوئسی آلمانی‌زبان و فرزند کارل  
بورکهارت (Carl Burckhardt) مجسمه‌ساز، در سال ۱۹۰۸ در  
فلورانس (Florence) به دنیا آمد و در ۱۹۸۴ در  
لوزان (Lausanne). درگذشت. تیتوس فرزند خانواده‌ای از  
نجبای بال - نوه برادر یاکوب بورکهارت (Jacob Burckhardt)،  
مورخ معروف هنر و فرهنگ دوره رنسانس - بود. وی ابتدا  
با ذوق وافر که در هنر داشت کوشید تا حرفه پدر را دنبال  
کند؛ لکن علاقه مفراط او به حکمت و عرفان خیلی زود او را  
به مطالعه هنر قرون وسطا و قدیم کشانید. بالاخره در سال  
۱۹۳۵ پس از مسافرت به آفریقای شمالی و سکونت در  
شهرهای مغرب، مخصوصاً فاس، شیفته هنر و تمدن، و بیش  
از آن معنویت اسلامی شد و به تحقیق درباره جوانب  
مختلف معارف و هنر اسلامی پرداخت و حتی مدتی در  
مدرسه قدیمی فاس طلبگی کرد. البته علاقه اصلی او به علم  
حضوری و تجلی آن در هنر بود، که به هر دو دست یافت.  
در فاس اسلام آورد، نام ابراهیم عزالدین بر خود نهاد، به  
طریقت صوفیه شاذلیه پیوست، و از محضر مولای علی‌بن  
طیب درقاوی بهره گرفت. پس از مراجعت به اروپا در موطن  
اجدادی خود سوئیس اقامت گزید. در سال‌های آخر عمر  
مشاور تخصصی یونسکو خصوصاً در حفاظت و مرمت  
میراث معماری بی‌نظیر و در معرض خطر شهر فاس بود.

در این مقاله مهم‌ترین آثار بورکهارت، که نماینده نظام  
فکری اوست، معرفی می‌شود. در انتخاب آثار، علاوه بر  
اهمیت آن‌ها از این لحاظ، انتشار نیافتن آن‌ها به زبان فارسی  
نیز ملاک بوده است. از این رو، جز دو کتاب اول، مابقی از  
میان آثاری انتخاب شده که هنوز به فارسی ترجمه نشده  
است. از آنجا که کتاب هنر قدسی به گویاترین نحوی طرز  
تلقی بورکهارت را از عالم و هنر معرفی می‌کند، شرح آن را  
با تفصیل بیشتری آورده‌ایم.

است اما احساس نمی‌تواند محیط و حال و هوای هنر قدسی را پدید آورد، هرچند که جهش و خیزشش بسی شریف باشد؛ زیرا عاطفه تابع واکنش‌هایی است که برانگیخته و واکنش‌های دیگر است. عاطفه یکسره پویاست و نمی‌تواند مستقیماً و قطعاً کیفیات مکان و زمان را، که طبعاً با قوانین جاودانی روح مطابقت دارد، دریابد. پرداختن به کار معماری فارغ از جهان‌شناسی ممکن نیست. مضافاً این که صورت هنر قدسی نیز باید قدسی باشد؛ زیرا هنر اساساً صورت است. برای آن که بتوان هنری را مقدس نامید کافی نیست که موضوع هنر از حقیقتی روحانی نشأت گرفته باشد؛ بلکه باید زبان صوری آن نیز بر وجود همان منبع گواهی دهد.

بورکهارت در فصلی از کتاب به تفصیل از هنر قدسی هندو سخن می‌گوید. وی نخست از ارتباط معبد هندو با جهان‌شناسی هندو می‌گوید، و برای نشان دادن درستی سخنان خود، به تحلیل بنای معبد و قربانگاه آتش هندوان می‌پردازد. این تحلیل از طرح استقرار و هندسه کلی معبد تا تقسیمات داخلی و حتی تعداد عناصر و مصالح آن را در برمی‌گیرد. با توجه به تقدم قربانگاه بر معبد و اشتراک آن میان اقوام ساکن و کوچنده، به بررسی معماری ساده قدسی قربانگاه و رابطه آن با نظام عالم از منظر هندوان می‌پردازد. آن‌گاه از اهمیت جهت‌یابی در طرح معبد و ترکیب هندسی آن سخن می‌گوید که نماد حضور الهی در جهان است. انواع ماندالا در نقشه نمادین معبد، که هریک نمادی کیهانی است، موضوع سخن بعدی او در این خصوص است.

بورکهارت در کتاب هنر مقدس به تفصیل درباره هنر قدسی مسیحی نیز بحث می‌کند. نخست در اصل وجود هنر قدسی مسیحی، اوضاع و احوال ظهور آن، تفاوت آن با هنر دینی مسیحی، ارتباط هنر قدسی مسیحی با جوهر خداشناسی و جهان‌شناسی پیش از مسیحیت و نیز به هنر قدسی در صدر مسیحیت می‌پردازد. آن‌گاه از مشابهت میان معبد با کالبد مسیح (ع) در نمادگان مسیحی، جهت‌یابی و هندسه در طرح کلیسا که نماد جهان است، اهمیت مواد و مصالح و ابزار کار معماری کلیسا در این نمادگان و پیوند

معمار کلیسا با معمار بزرگ جهان سخن می‌گوید؛ زیرا معمار نیز، چون خداوند، به ماده بی‌شکل یا هیولی صورت می‌بخشد. سپس تأکید می‌کند که مطابق فلسفه قرون وسطا، صورت بخشیدن به هیولی بدون داشتن الگویی ازلی ممکن نیست. آن‌گاه به تبیین جزئیات نحوه تعیین عقاید مسیحی در معابد این دین، از جمله در کلیساهای لاتینی و گوتیک، و رفع برخی شبهات پیش‌آمده از دید تاریخ‌نگاران هنر می‌پردازد. در قسمتی دیگر از نوشته خود از شمایل مقدس مسیحی و ارتباط آن با الگوهای مقدس یاد می‌کند و می‌گوید از منظر معنوی عقاید کاتولیکی، بهره‌مندی صورت انسانی مسیح از گوهر الهی‌اش به مثابه نمونه نوعی هرگونه نمادپردازی است. حلول خداوند در مسیح مستلزم وجود رشته‌ای جهان‌شناختی است که هرگونه صورتی را به صورت مثالی سرمدی‌اش پیوند می‌دهد و در همان حال ضامن آن رشته پیوند نیز هست. مبنای تعلیمی شمایل‌نگاری نه فقط جهت‌گیری کلی و موضوع و نقوش و خطوط شمایل، بلکه زبان و اسلوب آن را نیز تعیین می‌کند. این زبان صوری و سبک، مستقیماً از نقش نماد حاصل می‌آید. از این منظر، تصویر نباید داعیه جانشینی اصل خود را داشته باشد که غایت از آن برتر است؛ علاوه بر آن باید فاصله موجود میان معقول و محسوس را رعایت کند. به همین دلیل، باید در مرتبه و حد خود صدیق و راست‌گو باشد، یعنی نباید خطاهای بصری برانگیزد - برخلاف آنچه در پرسپکتیو معمول است.

نمادگان در کلیساهای رمانسک موضوع بعدی بحث اوست. او عناصر و ترکیب این در و سایر درگاه‌های مهم را در کلیساهای جامع در قالب نمادگان کل کلیسا و نیز جایگاه دروازه در عقاید معنوی مسیحی با دقت و تفصیل و ذکر نمونه‌های متعدد تعبیر و تأویل می‌کند.

بورکهارت در پایان کتاب دوباره به هنر مسیحی می‌پردازد و عوامل انحطاط آن را به شیوایی بررسی و تحلیل می‌کند. بورکهارت می‌گوید انحطاط هنر مسیحی تا متأخرترین مراحل آن نخست انحطاط تمثال انسان بوده

است. در هنر رنسانس، تمثال انسان مستقل، انسانی که خود به تجلیل خویش می‌پردازد، جانشین تمثال خدایی می‌شود که به صورت انسان درآمد است و در هنر قرون وسطا انعکاس دارد. اما این استقلال کاذب فاقد مرکز است: انسان وقتی مرکز و لنگر خود را در خدا از دست داد دیگر انسان حقیقی نیست. از آن پس تمثال انسان از هم می‌پاشد و فرومی‌ریزد؛ نخست جنبه‌های دیگر طبیعت جانشین حیثیت وی شده، سپس به تدریج ویران می‌شود، تا عاقبت در هنر مدرن به نفی و بی‌ریخت‌سازی نظم‌یافته آن می‌انجامد. بورکهارت آغاز انحطاط در هنر مسیحی را در دوران گوتیک می‌داند، که هرچند سنتی و مبتنی بر نمادپردازی و شهود است، عنصر اراده را بر عنصر تأمل و سیر و نظر برتری می‌دهد. این روند در رنسانس به گسیختگی کامل منجر می‌شود. وی این روند را در بعد از رنسانس، در هنر باروک، دنبال می‌کند. در قسمت بعدی کتاب، تناظر تسلسل سبک‌های پس از قرون وسطا را با تابع رسته‌های مختلف اجتماعی حاکم بررسی می‌کند. و هنر رمانسک را خاص راهبان کلیسا می‌داند؛ هنر گوتیک را جوهر شوالیه‌گری؛ هنر رنسانس را متناسب با رسته سوداگران و پیشه‌وران و شهرنشینان؛ و هنر باروک را واکنش اشراف در برابر بورژوازی. دست آخر نظر می‌دهد که در دوران فرمانروایی رسته روستاییان و وابستگان به زمین، که آفریننده سبکی خاص نبودند، صنعت - آخرین ابداع رسته سوداگران و پیشه‌ورانی که دیگر از سنت گسسته بودند - جانشین هنر شد.

بورکهارت آن‌گاه به مرحله‌ای دیگر از تاریخ تحول و تبدل سنت می‌پردازد. وی می‌گوید در قرن نوزدهم ورطه‌ای پدید آمد که حتی از گسستگی میان تمدن رنسانس و تمدن قرون وسطی هم عمیق‌تر بود. وی در آخرین فصل کتاب امکان احیای هنر مسیحی را می‌سنجد و می‌گوید هنر مسیحی در هنگام احیا نیز ناگزیر باید تصویرگرا باشد، از هر تحمیلی خارج از سنت بپرهیزد و بداند که نمی‌توان نهضت‌های هنری جدید را در خدمت مسیحیت درآورد.

فصلی مشیخ از کتاب به هنر قدسی اسلامی اختصاص دارد. در این فصل مؤلف نخست به معرفی حدود منع تصویرگری در هنر اسلامی و هدف از آن مطابق جهان‌شناسی اسلام می‌پردازد. وی در پرتو سخن اصلی اسلام - لا اله الا الله - مشکل تصویرگری جانداران را از منظر مسلمان کاذب بودن این تصاویر می‌داند، زیرا آنچه را در مرتبه بی‌جان است جان‌دار جلوه می‌دهد. بورکهارت سپس تفاوت هنر انتزاعی اسلامی با هنر انتزاعی جدید را ذکر می‌کند. پس از این کلیات، به ویژگی‌های هنر قالی‌بافی، که آن را خاص مسلمانان می‌داند، مشخصات معبد اسلامی و هندسه مسجد می‌پردازد. وی می‌گوید معبد اسلامی، بر خلاف کلیسا یا معبد هندوان، مرکزی ندارد که عبادت کنندگان بدان رو کنند. حتی قبله مسلمانان هم مکعبی میان‌تهی است. درحالی‌که عبادت در مسیحیت متوجه مرکزی عینی - مسیح - است، زیرا خدا در او حلول کرده یا بر صورت او مجسم شده است. ذکر نحوه تصرف اسلام در معماری تمدن‌هایی که به آن‌ها دست یافت و متحول ساختن آن‌ها با افزودن صراحت و دقت هندسی موضوع بعدی گفتار اوست که با مثال‌هایی از تمدن‌های مختلف همراه است. آن‌گاه به بررسی عربانه (arabesque) و ویژگی‌های آن می‌پردازد. عربانه از نظر مسلمان فقط امکان آفرینش هنری بدون تصویرگری نیست؛ بلکه مستقیماً وسیله‌ای است برای انحلال تصویر، یا آنچه در نظام ذهنیات با تصویر مطابقت دارد، در بافتی نامحدود. در قسمت بعدی کتاب به این نکته می‌پردازد که اسلام خود را جامع ادیان و خاتم آنان می‌داند و، از این رو، بر برخی از سنت‌های پیش از خود مهر تأیید زده و آن‌ها را از آن خود ساخته است. این کیفیت در نمادگان اسلامی تأثیر گذاشته است. آن‌گاه به تأویل بنای مسجد و عناصر اصلی آن می‌پردازد؛ و علاوه بر تأویل آن‌ها بر مبنای عقاید و متون اسلامی، رابطه بعضی از آن‌ها را با برخی از سنن پیش از اسلام نیز یادآور می‌شود. بحث از پوشش مسلمانان موضوع بعدی این بخش است. بورکهارت معتقد است با آن که هنر لباس هنری مردمی است، هنری مقدس

۲. تصوف: مقدمه‌ای بر اصول عرفانی اسلام  
"An Introduction to Sufi Doctrine", Lahore,  
Ashraf, 1959.

مشخصات ترجمه فارسی: بورکهارت، تیتوس (ابراهیم عزالدین)، "درآمدی بر آیین تصوف"، ترجمه یعقوب آژند، تهران، مولی، ۱۳۷۴.

این کتاب مهم‌ترین اثر بورکهارت در مابعدالطبیعه، و مکمل آثار شوان در این زمینه است. بورکهارت در این کتاب به ماهیت عرفان می‌پردازد. بحث را از چیستی عرفان آغاز می‌کند؛ آن‌گاه، پس از ذکر تعاریفی روشن و موجز، به تبیین مبانی نظری عرفان اسلامی یا تصوف می‌پردازد و با شرحی پرمایه درباره «کیمیای روح»، یا سلوکی که به معرفت روحانی می‌انجامد، خاتمه می‌دهد.

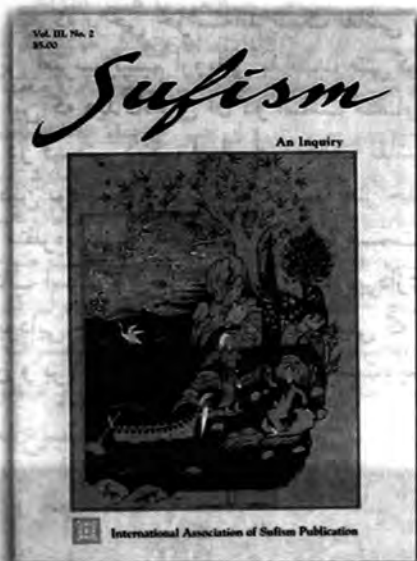
روش مؤلف در این کتاب روشی صرفاً پژوهشی نیست؛ ولی گاه برای نتیجه‌گیری‌های آیینی موجود از جاذبه‌ها و روش‌های پژوهشی استفاده کرده است. مهم‌ترین هدف کتاب کمک به کسانی است که در جهان امروز به دنبال درک حقایق ابدی و کلی‌ای هستند که در آیین‌های قدسی بیان شده است. بورکهارت معتقد است دانش آکادمیک در شناخت تصوف در درجه دوم اهمیت قرار دارد و برای فهم محتوای فکری آیین‌های شرقی نمی‌تواند کمک مستقیمی بکند. در روش علمی، اشیا را از بیرون بررسی می‌کنند و لذا جنبه‌های تاریخی و وابستگی‌های آن‌ها در نظر گرفته می‌شود. برخی آیین‌ها را فقط از طریق درک و نفوذ باطنی و درونی می‌توان دریافت، و به همین دلیل فهم آن‌ها از مرزهای استدلال فراتر می‌رود. به همین دلیل است که بیشتر محققان اروپایی که به تصوف پرداخته‌اند در تبیین وضع واقعی آن به خطا رفته‌اند. در این کتاب تلاش می‌شود تا دورنمای فکری تصوف تصویر شود. برای دست‌یابی به چنین نتیجه‌ای شیوه تبیینی اتخاذ شده است تا برای خواننده اروپایی مفید افتد. ضمناً بین بعضی از عقاید تصوف و آیین‌های سنتی دیگر، مانند سنن عرفانی هندو و مسیحی، تطابق‌ها و مقایسه‌هایی انجام گرفته است؛ اما در این کار از

نیز هست. از نظر بورکهارت شریف‌ترین هنر بصری در جهان اسلام خوش‌نویسی است و کتابت قرآن کریم هنر مقدس علی‌الاطلاق شمرده می‌شود. خوش‌نویسی در اسلام نظیر شمایل‌نگاری در مسیحیت است؛ زیرا مظهر و تجسم کلام الهی است.

بورکهارت در فصل پایانی کتاب به منظره در هنر خاور دور می‌پردازد، که هنری تائویی یا تائویی - بودایی است. وی درباره این که برخی خواسته‌اند سبک نقاشی با مرکب چین را قرین امپرسیونیسم اروپایی بدانند، می‌گوید اینان غافل‌اند از این که دیدگاه‌های آن دو اساساً متفاوت است. بورکهارت در قسمتی دیگر، از اسباب جذب نقاشی چینی و تائویی در دین بودا سخن می‌گوید. مقایسه هنر خلق شمایل بودا با هنر منظره‌پردازی خاور دور موضوع قسمت دیگر این فصل از کتاب است. وی می‌گوید هنر منظره‌پردازی با شاخه دیگر هنر بودایی خاور دور، یعنی هنری آیینی که الگوهایش اصلاً هندی و بر تمثال مقدس بودا متکی است، بسی تفاوت دارد.

Sacred Art in  
East and West

آب؛ نظری به کیمیا؛ نمادگان شطرنج؛ نقاب مقدس؛ بازگشت ادیسه؛ رقص خورشید؛ علوم سستی در فاس؛ نماز ابن مشیش؛ دربارهٔ برزخ؛ تفسیر اسماء الله امام غزالی؛ نقش هنرهای زیبا در آموزش مسلمانان؛ ارزش‌های جاویدان در هنر اسلامی؛ خلأ در هنر اسلامی؛ تأثیر زبان عربی بر هنرهای بصری اسلام؛ نامه‌ای در طریق روحانی.



شیوهٔ نفی و نقض احتراز شده چون با روح تصوف مغایرت دارد. عناوین فصول کتاب از این قرار است: ماهیت تصوف؛ تصوف؛ تصوف و عرفان؛ تصوف و وحدت وجود؛ معرفت و عشق؛ فروع تصوف؛ تفسیر صوفیانهٔ قرآن؛ مبانی و بنیادهای آیینی؛ وجوه وحدت؛ آفرینش؛ نمونه‌های نخستین (اعیان ثابتة)؛ تجدید الخلق بالانفاس؛ روح؛ انسان کامل؛ وحدت در طریقت ابن عربی؛ تحقق روحانی؛ وجوه سه‌گانهٔ سلوک (آیین، احسان، و کیمیای سعادت)؛ استعدادها و عقلانی؛ آداب و مناسک؛ تفکر؛ تأمل از دیدگاه ابن عربی.

### ۳. آئینهٔ عقل: مقالاتی در علوم سستی و هنر قدسی

"Mirror of the Intellect: Essays on Traditional Science and Sacred Art", Cambridge, England, Quinta Essentia, 1987.

این کتاب مجموعهٔ کامل مقالات بورکهارت است که در اقسام مجلات آلمانی و فرانسوی به چاپ رسیده اما به صورت کتاب در نیامده بود. تنها استثنای آن، مقاله‌ای است با عنوان «هفت فن آزاد [علوم انسانی] و در غربی کلیسای شارت»، که قبلاً در کتاب شارت و تولد کلیسای گوتیک آمده است. این مقالات موضوعاتی را از علم مدرن در صورت گوناگون آن، از مسیحیت تا اسلام، و تا نمادگرایی و اسطوره‌شناسی در بر می‌گیرد. او ابعاد ماورای طبیعی، عالم‌شناختی، و نمادین این سنن مقدس را از منظر حکمت معنوی و بی‌زمان تفسیر می‌کند.

عناوین فصول کتاب چنین است: منظر جهان‌شناختی؛ جهان‌شناسی سستی و علم مدرن؛ جهان‌شناسی جاودانه؛ فیزیک مدرن؛ نمادپردازی سستی و تجربه‌گرایی مدرن؛ تحول‌گرایی؛ روان‌شناسی مدرن؛ سواری بر ببر؛ هفت فن آزاد و در غربی کلیسای جامع شارت؛ چون حق با دانته است؛ خلاف تیلار دوشاردن؛ بیت‌المقدس ملکوتی و باغ و یکوئنتا؛ دو نمونه از نمادپردازی مسیحی؛ پیام متألّهانهٔ شمایل‌های روسی؛ نمادگان و اساطیر؛ نمادگان آئینه؛ نمادگان

#### ۴. فرهنگ مغربی در اسپانیا

"Moorish Culture in Spain", London, Allen and Unwin, 1972; New York, McGraw-Hill, 1972.

این کتاب حاصل مطالعه‌ای است درباره قوم مور، از زمان ورودشان به شبه جزیره ایبری در سال ۷۱۱م. تا دوران رنسانس. بورکهارت در این کتاب به بررسی شیوه زندگی و دستاوردهای آنان در معماری، شعر، فلسفه، دین و موسیقی و توسعه آن در اندلس می‌پردازد که مرکز امپراتوری عرب‌های آفریقای شمالی در قاره اروپا بوده است.

از ابتدای احداث اولین مسجد در قرطبه در سال ۷۸۵م تا زمان اخراج عرب‌ها به دست پادشاهان کاتولیک‌مذهب در سال ۱۴۹۲م، مورها بر اسپانیا تسلط داشتند و با انتقال بسیاری از عقایدشان تأثیری عمیق بر تمدن اروپایی گذاشتند. پیشرفت در زمینه‌های نجوم، ریاضیات، کیهان‌شناسی و تنوع و جذابیت صور معماری دستاوردهای چشم‌گیر عرب‌هایی است که ابتدا در مقام فاتح و اندکی بعد در مقام حاکمانی صلح‌طلب بدان سرزمین وارد شدند.

عناوین فصول کتاب از این قرار است: قرطبه؛ دین و اقوام؛ خلافت؛ شهر؛ ملکوت و ناسوت؛ زبان و شعر؛ عشق جوانمردانه؛ اسپانیا در مقابله؛ اصول فلسفی؛ ایمان و علم؛ عرفان؛ طلیطله؛ قرناطه.



#### ۵. کیمیا: علم عالم، علم نفس

"Alchemy: Science of the Cosmos, Science of the Soul", London, Stuart and Watkins, 1967; Baltimore, Maryland, Penguin Books, 1972.

این کتاب اثر اصلی بورکهارت در زمینه جهان‌شناسی است. در این کتاب وی کیمیا را به منزله ظهور روان‌شناسی معنوی و پشتیبان عقلی و نمادین تفکر و نیل به حقیقت تبیین می‌کند. اعتلای روح به کرات در قالب اصطلاحات سنت کیمیاگری مطرح شده است که از طریق آن مس وجود آدمی به زر بدل می‌شود. این را غالباً «کیمیای روح» خوانده‌اند. در این کتاب برخی از این اصطلاحات، که در ایجاد خصایل معینی در روح مفید افتاده‌اند، مطرح می‌شود؛ از جمله: ایمان، توکل، رجا، و اعتزال. مثلاً در این تشبیه نسبتی نمادین برقرار است: هرگاه جوهر یا ماهیتی (یا حتی نسبتی) تجزیه شود، باید سرانجام در قالب و صورتی جدید دوباره شکل بگیرد و تبلور یابد. بدین ترتیب این قاعده این امکان را فراهم می‌آورد که ماهیت جدید در صورتی متعالی‌تر و شریف‌تر تجسم پیدا کند. وقتی که مولانا می‌گوید چون غم فرا رسد به دل شادمان باش، منظورش همین است. ابن عربی در فصوص‌الحکم می‌گوید باید مقدم پریشانی را خوش داشت زیرا نفس را به پیش رفتن برمی‌انگیزد. ابن عربی طلا را نماد حال اصیل و سلیم (فطرت) می‌داند، صورتی که نفس انسان را در ابتدا چنان سرشته‌اند. مطابق معنای اسلامی، نفس هر طفل نخست ناخودآگاه بر همین فطرت آدمیت است، اما در بزرگسالی گناهان و خطایا بر آن تحمیل می‌شود و آن را دگرگون می‌سازد. در حال سلیم همه قوا در تعادل‌اند. این حال را با حال تعادل طلا بیان می‌دارند.



## ۶. نامه‌های یک مرشد صوفی (رسالیل مولای العربی الدرقاوی)

"Letters of a Sufi Master", Bedfont, Middlesex,  
Perennial Books, 1973.

بورکهارت، طی سال‌های نخست حضور در مغرب، خود را در زبان عربی غرقه کرد و نمونه‌های برجسته تصوف را در صورت اصلیشان دریافت. در سال‌های بعد وی بر آن شد که عموم را در این گنجینه‌ها سهیم کند. از این رو کتاب‌هایی را از این عربی<sup>۲</sup> و جیلی<sup>۳</sup> ترجمه کرد. یکی از مهم‌ترین ترجمه‌های او نامه‌های معنوی عارف معروف قرن ۱۲ ه.ق. / ۱۸ م. مغرب، شیخ مولای العربی الدرقاوی، مؤسس شاخه اصلی سلسله شاذلیه در شمال آفریقا است. این نامه‌ها حاوی متونی معنوی و سندی ارزنده از نصایح روحانی و متعلق به مرتبه‌ای از ادبیات صوفیه است که هنوز در خارج از جهان اسلام بدان توجه نشده است. هر نامه گوهر حکمتی گران‌بها و کلیدی یگانه به درهایی است که پیش روی سالکان طریق قرار دارد؛ و نیز مربوط به شیوه و جنبه‌های عملی طریقتی است که بر ذکر مبتنی است. در این حوزه باید آن‌ها را در زمره صریح‌ترین دستوراتی دانست که در طریق تصوف در همه متون صوفیه یافت می‌شود و در آن‌ها مشایخ ترجیح می‌دهند در بیان فنون معنوی از زبان اشارت استفاده کنند. البته در این نامه‌ها گاهی برخی اصول و مبانی نظری عرفان هم مطرح شده است. قسمتی از یکی از نامه‌ها چنین است: «رنجی که قلبت را می‌آزارد یکی از آن اموری است که به کسانی می‌رسد که خدا دوستشان دارد، از این روست که پیامبران بیش از سایر انسان‌ها آزار دیده‌اند، بعد از ایشان اولیا هستند، و سپس مریدان ایشان، چه دور باشند و چه نزدیک. پس غمین مباش که بلا از آن کسانی است که لبریز از عشق و ارادت‌اند و آنان را به سوی خدایشان رهنمون می‌کند. این رنج‌ها دل ایشان را می‌پالاید و زنگار از آن می‌زداید. هیچ‌کس بی تصدیق این حقیقت به علم الهی راه نمی‌یابد، چنان‌که در حکمت‌های ابن عطاء الله آمده که گفته است: «در تبدل اعلام و تحول احوال است که می‌توانم نیت تو را

درباره خود دریابم، که همه چیز را به من می‌نمایاند. جوهر مردان در دگرگونی احوال و در میدان بلایا شناخته می‌شود. در قرآن کریم آمده است: «آیا مردم پنداشتند که به صرف این‌که گفتند ایمان آوردیم رهایشان می‌کنند و آنان را نمی‌آزمایند؟ (سوره ۲۴ / آیه ۱)».

## ۷. فاس، شهر اسلام

"Fez, City of Islam", Cambridge, England,  
Islamic Texts Society, 1992.

بورکهارت در خلال سال‌های همکاری با انتشارات اورس گف مستولیت سلسله آثاری را با عنوان کلی شهرهای موطن روح<sup>۴</sup> بر عهده گرفت. این مجموعه مطالعات تاریخی - معنوی درباره ظهورات معینی از تمدن مقدس بود و موضوعاتی چون کوه آتوس (Mount Athos)، ایرلند سنی و سینا، قسطنطنیه و سایر جاها را در برمی‌گرفت. خود بورکهارت در این مجموعه، کتاب‌های سینا، شهر عذرا<sup>۵</sup> شارت و تولد کلیسای گوتیک<sup>۶</sup>؛ و فاس، شهر اسلام؛ را نوشت.

بورکهارت در دهه ۱۹۳۰، در دوران جوانی، چند سالی در کشور مغرب گذراند و با چند شخصیت برجسته که هنوز از موارث معنوی دست‌نخورده مغرب بودند دوستی‌هایی عمیق برقرار کرد. این دوره‌ای بسیار تعیین‌کننده در زندگی بورکهارت بود و بخش عمده پیام و سبک او بعد از آن در این سال‌های اولیه ریشه دارد. پیش‌تر وی بیشتر تجارب خود را به تحریر درآورده بود (که بلافاصله به چاپ نرسید)، و تازه در دهه ۱۹۵۰ بود که این نوشته‌ها و این تجربه‌ها به حد کتابی مشخص و استادانه رسید. بورکهارت در فاس، شهر اسلام به تاریخ و دین یک قوم می‌پردازد - تاریخی غالباً پررنج، غالباً قهرمانانه، و گاه مقدس. او در سرتاسر این تاریخ در پی رشته دین و تمدن اسلامی است. وی این‌ها را درمی‌آمیزد، با بسیاری از تعالیم و حکایات و کرامات اولیای قرون مختلف ربط می‌دهد، و نه تنها هنرها و حرفه‌های مختلف تمدن اسلامی، بلکه علوم «ارسطویی» و مهارت‌های

## منابع

بورکهارت، تیتوس، «درآمدی بر آیین تصوف»، ترجمه یعقوب  
آژند، تهران، مولی، ۱۳۷۴.

— «هنر مقدس (اصول و روش‌ها)»، ترجمه جلال ستاری،  
تهران: سروش، ۱۳۶۹.

قیومی بیدهندی، مهرداد. «اندیشه‌های تیتوس بورکهارت درباره  
هنر»، عرضه‌شده در نخستین هم‌اندیشی سنت‌گرایان و هنر،  
تهران، فرهنگستان هنر و مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه،  
۱۳۸۳ (چاپ‌نشده).

Burckhardt, Titus. "Alchemy: Science of the  
Cosmos, Science of the Soul", London, Stuart  
and Watkins, 1967; Baltimore, Maryland,  
Penguin Books, 1972.

— "An Introduction to Sufi Doctrine",  
Lahore, Ashraf, 1959.

— "Fez, City of Islam", Cambridge, England,  
Islamic Texts Society, 1992.

— "Letters of a Sufi Master", Bedford,  
Middlesex, Perennial Books, 1973.

— "Mirror of the Intellect: Essays on  
Traditional Science and Sacred Art",  
Cambridge, England, Quinta Essentia, 1987.

— "Moorish Culture in Spain", London, Allen  
and Unwin, 1972; New York, McGraw-Hill,  
1972.

— "Sacred Art in East and West: Its  
Principles and Methods", Bedford, Middlesex,  
England, Perennial Books, 1967.

[www.alibris.com](http://www.alibris.com)

[www.digiserve.com](http://www.digiserve.com)

[www.fritjof-schuon.com](http://www.fritjof-schuon.com)

[www.perennial.org](http://www.perennial.org)

[www.webislam.com](http://www.webislam.com)

[www.worldwisdom.com](http://www.worldwisdom.com)

دیوانی آن را عرضه می‌کند.

عناوین فصول کتاب از این قرار است: فاس؛ شهر و  
صحرا؛ خلافت؛ شهری که یکی از اولیا آن را بنیاد نهاده  
است؛ خانه؛ علم سستی؛ سلسله الذهب؛ فوران عالم مدرن.



## یادداشت‌ها

1. Decadence and Renewal of Christian Art.

۲. فصوص الحکم ابن عربی  
La Sagese Prophètes, Paris, Albin Michel, 1955.

۳. الانسان الكامل عبدالکریم جیلی  
De l'Homme Universel, Lyons, Derain, 1953.

4. Stätten des Geistes.

5. Siena, City of the Virgin.

6. Chartre and the Genesis of the Gothic Cathedral.